



**Jurisprudential investigation of the role of bribery in realizing the crime of rent-seeking
from the perspective of Imami jurisprudence**

Dr. Mohammad Ali Sheikhol Islami, Graduated with a PhD in Fiqh and Fundamentals of Islamic Law from Ferdowsi University of Mashhad

Dr. Seyyed Mohammad Taghi Ghoboli Darafshan , Associate Professor of Ferdowsi University of Mashhad (Responsible author)

Email:ghabooli@um.ac.ir

Dr. Mohammad Taghi Fakhrai, Professor at Ferdowsi University of Mashhad

Abstract

Using the descriptive analytical method, the present article investigates the jurisprudential role of bribery in the realization of the crime of rent-seeking. According to the definition of bribery and the truth of its application in cases other than rulings and judgments, what a rent-seeker grants another in order to enjoy a series of privileges that he does not deserve is considered bribery and according to the consensus of jurists, it is haram. By following the words of jurists, it becomes clear that the truthfulness of bribery is valid not only for money, but also for word and deed ;

As a result, whatever the rent-seeking person does to the official in order to benefit from special privileges is a bribe. The person making the rent, who is the "Mortashi" (bribe receiver), is also required to return the bribe money and is a guarantor in this regard. The way to get rid of it is to return the property to the owner.

Key words: rent, rent-seeking, rent-making, bribery, Takliffee ruling of rent-seeking, "Vazee" ruling of rent-seeking





HomePage: https://jfiqh.um.ac.ir/	سال ۵۵ - شماره ۱ - شماره پیاپی ۱۳۲ - بهار ۱۴۰۲، ص ۱۱۶ - ۹۷	
شاپا الکترونیکی ۲۵۳۸-۳۸۹۲	شاپا چاپی ۲۰۰۸-۹۱۳۹	
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۴/۱۲	تاریخ بازنگری: ۱۳۹۷/۰۶/۱۸	تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۱۶
DOI: https://doi.org/10.22067/jfu.v54i2.70819	نوع مقاله: پژوهشی	

بررسی فقهی نقش رشوه در تحقق جرم رانت خواری از منظر فقه امامیه

دکتر محمدعلی شیخ الاسلامی

دانش آموخته دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد

دکتر سید محمد تقی قبولی درافشان (نویسنده مسئول)

دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد

Email: ghabooli@um.ac.ir

دکتر محمد تقی فخلعی

استاد دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

نوشتار حاضر با بهره‌گیری از روش تحلیلی توصیفی در پی بررسی فقهی نقش رشوه در تحقق جرم رانت خواری است. باتوجه به تعریف رشوه و صدق اطلاق آن در غیر مورد حکم و قضاوت، آنچه که رانت‌خوار به دیگری اعطا می‌کند تا از یک سری امتیازات که استحقاق آن را ندارد برخوردار شود، رشوه محسوب و بنا بر اجماع فقها حرام است. با تتبع در کلام فقها روشن می‌شود که صدق رشوه علاوه بر مال، بر قول و فعل نیز صحیح است؛ در نتیجه، هرآنچه که شخص رانت‌خوار راجع به مقام مسئول انجام می‌دهد تا از امتیازات ویژه بهره‌مند شود در حکم رشوه است. شخص رانت‌ساز که همان مرتشی است نیز ملزم به بازگرداندن مال الرشوه است و در خصوص آن ضامن. راه خلاصی از آن، عودت مال به مالک است.

واژگان کلیدی: رانت، رانت‌خواری، رانت‌سازی، رشوه، حکم تکلیفی رانت‌خواری، حکم وضعی رانت‌خواری.

مقدمه

یکی از اقسام فساد که دامن‌گیر جوامع امروزی شده و روندی روبه‌رشد در نابودی حکومت‌ها داشته است، رانت می‌باشد. رانت در وهله نخست، مفهومی اقتصادی است که به تدریج به سایر حوزه‌ها از جمله سیاست نیز سرایت کرده است (اسحاقی، ۲۱). بنابراین، رانت صرفاً فساد اقتصادی نیست، بلکه فساد اجتماعی است که یکی از اصلی‌ترین ریشه‌های آن فساد اقتصادی است. نوشتار حاضر با بررسی دقیق مفهوم رانت که با مطالعه کتب و مقالات متعدد حاصل شده است، با جمع‌بندی نظرات به تعریفی نو و ابتکاری در این زمینه رسیده است و سپس با بررسی فقهی رشوه به نقش آن در تحقق رانت‌خواری پرداخته و از این منظر جرم رانت‌خواری را بررسی کرده است. نکته درخور ذکر این است که نوشتار حاضر، حکم تکلیفی و وضعی رانت‌خواری را با توجه به نقش رانت در تحقق آن به صورت تطبیقی در فقه مذاهب اسلامی مطالعه کرده است. با وجود اهمیت فوق‌العاده مبحث رانت و ابتلای جامعه به آن و آثار مخرب‌بی که ایجاد کرده است، تاکنون پژوهش فقهی مستقلی راجع به آن نگاشته نشده است و نوشتار حاضر، از این نظر منحصر به فرد است. روش پژوهش، گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای از طریق فیش‌برداری از کتب فقهی فقهای امامیه و روش تحلیلی توصیفی است.

۱. مفهوم رانت^۱

۱.۱. مفهوم لغوی رانت

رانت ریشه‌ای فرانسوی دارد که در زبان فرانسه ابتدا معادل اجاره‌بهای زمین کشاورزی آمده است، ولی امروزه در زبان‌های فرانسه و انگلیسی در لغت به معنای مطلق بهره مالکانه‌ای است که جزء درآمدهای زندگی و حاصل کار و تلاش به شمار نمی‌آید (اسحاقی، ۲۱) و برخی آن را به معنای اجاره و کرایه نیز به کار برده‌اند (همدمی، ۳۶).

۱.۲. مفهوم اصطلاحی رانت

پیدایش مفهوم رانت به دو قرن پیش بر می‌گردد که به تفاوت ارزش محصول دو زمین اطلاق شد که یکی از مرغوبیت بیشتری برخوردار است. ریکاردو، این درآمد مازاد را رانت می‌نامد که به دلیل حاصلخیزی زمین و بدون تلاش حاصل شده است (حسین‌خان، ۵۶). با الهام از رانت مصطلح نزد ریکاردو، اقتصاددانان پس از وی رانت را به درآمد مازاد بر هزینه فرصت‌های صرف‌شده تعریف کرده‌اند

(فرهنگ، ۱۰۳۸؛ حسین خان، ۳۷). بنابراین، رانت خارج از عرصه فعالیت‌های مولد اقتصادی است (Pearce، 120) و از این روست که برخی از رانت به درآمد غیرمولد تعبیر کرده‌اند (حسین خان، ۵۰). برخی دیگر به تعریف فوق، شرط کمیابی مطلق یا نسبی و به‌طورکلی شرایط غیررقابتی را افزوده‌اند (سبحان‌اللهی، ۳۲) که منطبق بر تعریف ابتدایی رانت طبق نظر ریکاردو است.

باتوجه به پراکندگی موجود در تعاریف رانت، تعریفی که جامع و مانع و بیانگر رانت متعارف باشد، عبارت است از: «درآمد غیرمولد مازاد بر هزینه فرصت‌های صرف‌شده یا امتیازی که در شرایط رقابت کامل محقق نیست و با سوءاستفاده از موقعیت یا از طریق رابطه غیراستحقاقی و وابستگی به مراکز قدرت و ثروت به دست می‌آید.» این تعریف قدر متیقن تمامی تعریف‌هاست؛ برای مثال، وزیری که از نوسانات نرخ ارز و بازار آگاه است، اگر به‌واسطه این آگاهی معامله‌ای انجام دهد و به درآمد بادآورده‌ای برسد، چنین درآمد مازادی مصداق رانت است؛ زیرا با سوءاستفاده از موقعیت، صاحب درآمد غیرمولد مازاد بر هزینه فرصت‌های صرف‌شده، شده است که در شرایط غیررقابتی به دست آمده است. همچنین است شخصی که به‌سبب رابطه با چنین وزیری از نوسانات بازار آگاه شود و با انجام برخی معاملات به سود هنگفتی دست یابد.

بنابراین، رانت در وهله اول به درآمد اطلاق می‌شود و در وهله بعد به هرآنچه قابل انطباق است که بالقوه درآمد به شمار می‌رود؛ مانند برخی مجوزها و امتیازات یا برخی پست‌ها و سمت‌ها و یا اطلاعات نایاب و کمیابی که با محرومیت دیگران از آن قابلیت تبدیل به سود و درآمد بادآورده را دارد. این تعریف، قدر متیقن تعریف‌هایی است که درباره رانت بیان شده است.

تعریف رانت مصطلح که بدان اشاره شد بیشتر ناظر به رانت اقتصادی است که ایجاد یک سری محدودیت‌ها در بازار از سوی تصمیم‌گیرندگان اقتصادی، امتیازات ویژه و انحصاری را برای خود آن‌ها یا گروه خاصی از اشخاص یا گروه‌ها در پی داشته باشد؛ درآمد حاصل از این امتیازات، رانت اقتصادی است (سردارآبادی، ۳۲)؛ مانند صدور پروانه یا لپسانس، امتیاز انحصاری در واردات یا صادرات کالاها و محصولات، امتیاز انحصاری تولید کالای خاص، امتیاز تأسیس کارخانه، اعتبارات، وام‌ها و...

اگر مطابق با تعریف رانت، شخص به جایگاه یا موقعیت سیاسی دست یابد که در خصوص آن استحقاق ندارد، مصداقی از رانت سیاسی خواهد بود (درویشی، ۳۳۱) و در صورتی که امتیاز ناشی از رانت، دست‌یابی به یک سری اطلاعات انحصاری باشد که بدون رقابت با دیگران به دست آمده است، رانت اطلاعاتی بر آن اطلاق می‌شود (کاظمی، ۵۵).

۳.۱. رانت خواری

در باره رانت خواری تعاریف متعددی شده است که همگی مبتنی بر تعریفی است که از رانت ارائه شده است. برخی از اقتصاددانان غربی که رانت را درآمد حاصل از دست‌یابی به موقعیتی انحصاری دانسته‌اند، رانت خواری را به صرف منابع به منظور دست‌یابی به موقعیتی انحصاری تعریف کرده‌اند (Posner, ۸۰۹). گروهی دیگر از اقتصاددانان با پذیرش این تعریف از رانت جوویی معتقدند افراد در فرایند رانت جوویی، منابع و تلاششان را تحت تأثیر قراردادن سیاست‌های عمومی، صرف خواهند کرد (Mbuka, 195).

در کنار واژه رانت خواری، گاه واژه دیگری به نام رانت جوویی به کار برده می‌شود که گاهی از روی تسامح به جای یکدیگر نیز استعمال می‌شوند. تولاک و کروگر، با تأکید بر اینکه رانت منشأ قانونی و غیر قانونی دارد، رانت جوویی را تلاش‌های قانونی؛ مانند لابیگری و غیرقانونی مانند رشوه‌دهی افراد و گروه‌های همسودبخش خصوصی می‌دانند که برای تحصیل رانت‌هایی صورت می‌گیرند که به دنبال ایجاد کمیابی‌های طبیعی یا ساختگی توسط دولت ایجاد می‌شوند (Tullock, 291).

باتوجه به تعاریف فوق روشن می‌شود که رانت خواری و رانت جوویی عبارت است از فعالیت هدفمندی که با تلاش و به قصد ایجاد رانت صورت گرفته باشد. این ساده‌ترین و صحیح‌ترین تعریف است که البته ارتباط مستقیمی با تعریفی دارد که از رانت ارئه می‌شود. تنها تفاوتی که میان این دو واژه وجود دارد در این است که رانت جوویی ناظر به نتیجه نیست؛ یعنی صرفاً تلاشی است به منظور رسیدن به رانت. بنابراین، اگر این تلاش و اقدام که با قصد انجام گرفته است منجر به رانت نشود باز هم می‌توان عنوان رانت جوویی را بر آن اطلاق کرد؛ درحالی که رانت خواری ناظر به نتیجه است، لذا به تلاشی که برای کسب درآمد حاصل از رانت صورت می‌گیرد و به نتیجه می‌رسد، رانت خواری می‌گویند. البته از روی تسامح این دو تعریف به جای یکدیگر به کار می‌رود که باید به تفاوت آن‌ها دقت داشت، پس نتیجه اینکه تمام آنچه که درباره رانت جوویی گفته شد درخصوص رانت خواری نیز صادق است، فقط با این تفاوت که نیل به نتیجه در تعریف رانت خواری صادق است. بنا بر همین تعریف، رانت جو فاعل فعل رانت جوویی و رانت خوار فاعل فعل رانت خواری است.

چند مثال؛ اعمال نفوذ و پارتی‌بازی در خرید یک مزایده و به یک‌سوم بها، خریدن آن نیز رانت خواری به شمار می‌رود. همین طور کسانی که به قدرت سیاسی نزدیک‌اند و اطلاعات پشت‌پرده را می‌دانند و بر اساس آن‌ها اقدام اقتصادی می‌کنند و سودهای استثنایی به دست می‌آورند رانت خوارند و به اقدام و تلاش آن‌ها برای کسب رانت، رانت خواری گفته می‌شود (توانابان‌فرد، ۸۷۳).

۱.۴. رانت‌سازی

ضلع دومی که در ارتباط با رانت‌خوار یا رانت‌جو عمل می‌کند، رانت‌ساز است. رانت‌ساز نیز همانند رانت‌خوار می‌تواند یک شخص باشد و می‌تواند یک گروه باشد. این اصطلاح به دلیل اینکه به‌تازگی وارد ادبیات سیاسی و اقتصادی ما شده است، تعریف مدونی از آن وجود ندارد، اما به‌طور کلی به شخص یا اشخاص یا فرایندی که زمینه برای تحقق رانت‌خواری را فراهم می‌سازد، رانت‌ساز و به مجموع این فرایند، رانت‌سازی گفته می‌شود؛ مثلاً یک مسئول دولتی را در نظر بگیرید که برای کسب حمایت اصحاب رسانه، برخی امتیازات انحصاری دولتی را در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد یا مقامی مسئول که از نوسانات پیش‌بینی شده ارزش‌های هفته‌های پیش‌رو اطلاع دارد و آن را در اختیار برخی از اقوام و نزدیکان خود قرار می‌دهد؛ این مقام مسئول، رانت‌ساز نیز است؛ چراکه زمینه برخورداری عده‌ای را از رانت فراهم کرده است.

همان‌طور که گفته شد رانت‌ساز می‌تواند یک فرایند یا جریان باشد؛ مثل سازوکاری که در قانون طراحی شده است و اختیاراتی که به مقامی مسئول داده شده است، خود می‌تواند زمینه تحقق رانت را ایجاد کند. گاهی عدم شفافیت در قوانین یا عدم قاطعیت برخی مسئولان و مدیران در حوزه تحت اختیارشان، زمینه برای تحقق رانت را فراهم می‌کند یا مثلاً برخی محدودیت‌ها و انحصارات در نظام اعطای امتیازات و مجوزها هرچند ممکن است در برخی شرایط ضروری باشد؛ اما سازوکار سوءاستفاده عده‌ای را برای رانت خواری فراهم می‌آورد.

۲. ماهیت رشوه

۲.۱. تعریف رشوه

رشوه در لغت به معنای آن چیزی است که به حاکم یا غیرحاکم داده می‌شود تا به نفع او حکم کند یا حاجت او را برآورده سازد (طریحی، ۱۸۴/۱). برخی دیگر از لغویان، رشوه را مطلقاً وسیله رسیدن به حاجت دانسته‌اند که با تبانی ایجاد می‌شود (ابن اثیر، ۲۲۶/۲).

رشوه از نظر مشهور فقها عبارت است از مالی که شخص پرداخت می‌کند تا به نفع او حکم شود (شهید ثانی، ۷۵۷ تا ۷۵۴/۳؛ اردبیلی، ۴۸/۱۲؛ محقق کرکی، ۳۵/۴).

۲.۲. رابطه رشوه و رانت

ماهیت رانت از دو رکن اصلی رانت‌خوار و رانت‌ساز تشکیل شده است. همان‌طور که قبلاً به آن اشاره شد، رانت‌خوار شخصی است که از رانت استفاده می‌کند و به درآمد غیرمولدی می‌رسد که بدون رقابت با دیگران به دست آمده است. رانت‌ساز هم کسی است که شرایط استفاده از رانت را برای رانت‌خوار فراهم

می آورد؛ مانند کسی که دیگری را بدون داشتن شرایط لازم بر اساس رابطه‌ای غیر مستحقانه به سمتی دولتی منتسب می کند یا یک سری اطلاعات علنی نشده را در اختیار وی قرار می دهد. برای اثبات حکم فعلی که هریک از این افراد مرتکب شده‌اند به برخی منابع فقهی استناد می شود.

رابطه غیر مستحقانه‌ای که سبب استفاده اشخاص از رانت می شود، متعدد است. ممکن است برخی از این روابط به دلیل نسبت فامیلی، نسبت حزبی، سیاسی و... باشد. یکی از روابط غیر مستحقانه‌ای که ممکن است منجر به استفاده شخص از رانت شود، رابطه بر اساس رشوه است؛ در این صورت راشی که به دنبال استفاده از رانت است برای نیل به مقصود از رشوه دادن به مرتشی یا همان رانت ساز استفاده می کند تا با مساعدت او بتواند از امتیازات ویژه و انحصاری بهره مند شود. در اینجا رانت خوار همان راشی و رانت ساز همان مرتشی است. بنابراین، حکمی که برای راشی و مرتشی صادق است منطبق بر این دو عنوان نیز خواهد بود.

۲.۳. متعلق رشوه

طبق نظر مشهور فقها متعلق رشوه مال است؛ یعنی آن چیزی که در رشوه دادوستد می شود مال است. سؤال این است که آیا به غیر مال، قول و فعل هم می تواند متعلق رشوه قرار گیرد یا خیر؟ برای مثال، بر مدح از کسی یا تبلیغ قولی و فعلی برای رجلی سیاسی می توان عنوان رشوه را اطلاق کرد یا خیر؟ غالب فقها متعرض غیر مال نشده‌اند و در این خصوص اظهار نظری نکرده‌اند؛ اما برخی دیگر به صراحت درباره آن اظهار نظر کرده‌اند که در اینجا بررسی می شود.

ماهیت رشوه از سوی فقها به طور دقیق بررسی نشده است. خوبی، از فقهای معاصر با صحنه گذاشتن بر این نظر معتقد است که برای شناخت حقیقت و ماهیت رشوه باید به عرف و لغت و تعاریف فقها مراجعه کرد (مصباح الفقاهة، ۱/۲۶۳).

با رجوع به تعاریف متعددی که درباره رشوه از سوی فقها و لغویان آمده است متوجه این نکته می شویم که بعضی از تعاریف، صراحت در این دارد که رشوه مالی است که در ازای حکم به نفع شخص پرداخت می شود (شهید ثانی، ۳/۷۴) و برخی دیگر از تعاریف به این صورت آمده که «الرشوه هی ما یعطیه یا ما ینذله...» و «ما» بیانگر عمومیت متعلق رشوه است که هم شامل مال و هم شامل غیر مال می شود (طریحی، ۱/۱۸۴؛ ابن اثیر، ۲/۲۲۶؛ صاحب جواهر، ۲۲/۱۴۷؛ محقق اردبیلی، ۱۲/۴۹؛ خوبی، مبانی تکملة المنهاج، ۸/۴۱؛ تجلیل تبریزی، ۴۰۷؛ طباطبایی قمی، ۵۶؛ روحانی، ۱۴/۲۷۹). غالب تعاریف از نوع دوم است و در واقع غالب فقها متعرض شمول رشوه به غیر از مال نشده‌اند؛ اما در تعریفی که از آن ارائه کرده‌اند عمومیت داده‌اند و مانند شهید ثانی آن را اختصاص به مال نداده‌اند. شاید اینکه برخی فقها،

چون شهید ثانی مال را در تعریف رشوه لحاظ کرده‌اند از باب بیان مصداق غالب بوده باشد؛ نه اینکه برای مال موضوعیت قائل باشند (ایزدی‌فرد، ۱۹).

برخی از فقها در بیان ماهیت رشوه صراحت بیشتری نشان داده‌اند. بنا بر نظر بسیاری از فقهای که متعرض بحث شده‌اند، متعلق رشوه علاوه بر مال می‌تواند اقوال و افعال را نیز در بر گیرد (صاحب‌جوهر، ۱۴۷/۲۲؛ طباطبایی، محمدکاظم، ۲۳/۲؛ خویی، مصباح‌الفاقیه، ۲۶۳/۱؛ سیفی، ۲۴۹؛ موسوی اردبیلی، فقه القضاء، ۴۲۸/۱). بر فرض هم که شمول اسمی اقوال و افعال تحت‌عنوان رشوه محل شک قرار گیرد؛ یا باید آن را ملحق به رشوه دانست (طباطبایی، محمدکاظم، ۲۳/۲) یا شمول حکمی را درباره آن صادق دانست (صاحب‌جوهر، ۱۴۷/۲۲).

با وجود اطلاق موجود در تعاریف غالب فقها و صراحت برخی دیگر در شمول رشوه در موارد غیرمالی چون اقوال و افعال، صدق رشوه بر این موارد بلاشکال است. بنابراین، برای مثال اگر شخصی برای نیل به مقصود خود در کسب انحصاری برخی اطلاعات یا رسیدن به پست و مقام شروع به مدح مقام مسئولی کند که می‌تواند خواسته او را اجابت کند یا برای او تبلیغات کند تا به نمایندگی شورا یا مجلس برسد و از این طریق خواسته شخص رانت‌خوار را عملی سازد؛ بر چنین قول و فعلی نیز عنوان رشوه صادق است یا لااقل ملحق به رشوه است و در حکم، با رشوه یکسان است.

در حکم رشوه هیچ فرقی میان اقسام مختلف رشوه در خصوص متعلقات آن نیست. بنابراین، افزون بر رشوه مالی شامل رشوه قولی و فعلی نیز می‌شود. چنین حکمی راجع به هر سه نوع رشوه مذکور از سوی فقها تصریح شده است (موسوی اردبیلی، فقه القضاء، ۴۲۸/۱). البته واضح است که در صورتی که رشوه قولی و فعلی با رضایت رانت‌ساز نباشد، حکمی متوجه آن‌ها نخواهد بود؛ چراکه برخلاف رشوه مالی، این دو نوع دیگر نیازی به قبول رانت‌ساز ندارد.

باتوجه به آنچه مطرح شد می‌توان نتیجه گرفت که نسبت میان رانت و رشوه حرام از بین نسبت‌های چهارگانه، عموم و خصوص من وجه است؛ چراکه اولاً مصادیق زیادی وجود دارد که هم رانت است و هم رشوه درباره آن صادق است، مثل موردی که شخصی برای رسیدن به یک سری امتیازات انحصاری که در خصوص آن استحقاقی ندارد، به مسئولان دولتی رشوه پرداخت می‌کند و نیز می‌توان مصادیقی را یافت که رشوه است ولی رانت درباره آن مصداقی ندارد؛ مانند اینکه شخصی برای رسیدن به حق خودش که راجع به آن استحقاق دارد رشوه پرداخت کند (البته بنا بر نظر مشهور که حکم حرمت رشوه را مطلق دانسته‌اند). می‌توان مصادیقی از رانت را نیز یافت که رشوه نباشد؛ مانند اینکه شخصی با بهره از رابطه فامیلی که با مقام مسئول دارد به یک سری امتیازات انحصاری غیراستحقاقی دست یابد. البته باتوجه به اینکه متعلق رشوه را از

رشوه مالی به رشوه قولی و فعلی تعمیم دادیم، این قسم مصادیق زیادی پیدا نمی‌کند؛ چراکه غالب مواردی که رانت بر اساس رابطه‌ای غیرمستحقانه محقق می‌شود یا رابطه مالی در آن دخیل است یا روابطی را که متکی بر برخی اقوال و افعال است؛ مانند حمایت لسانی، قلمی یا فعلی از برخی کاندیداها، مسئولان و... در ازای دریافت برخی امتیازات انحصاری که شخص در خصوص آن هیچ‌گونه استحقاقی ندارد.

۲. ۴. رشوه در غیرداوری

همان طور که اشاره رفت، بسیاری از فقها در تعریف رشوه آن را شامل مورد حکم و قضاوت دانسته‌اند، اما با مراجعه به تعاریف دیگری که از رشوه شده است در می‌یابیم که برخی فقها آن را شامل غیرحکم نیز دانسته‌اند؛ برای مثال، شیخ طوسی در تعریف رشوه چنین آورده است: «و القاضی بین المسلمین و العامل علیهم یحرم علی کل واحد منهم الرشوة» (طوسی، المبسوط، ۱۵۱/۸). از این تعریف چنین بر می‌آید که ایشان رشوه را درباره‌ی عامل بر مسلمانان نیز صادق دانسته‌اند. در کتب لغت، عامل به کسی گفته می‌شود که عهده‌دار امور مردم در مال و ملکشان باشد و زیر نظر حکومت کار کند (ابن اثیر، ۳۰۰/۳؛ طریحی، ۴۳۱). برخی دیگر از فقها نیز رشوه را محدود به مورد قضاوت ندانسته و آن را در غیر مورد آن نیز جاری دانسته‌اند (طباطبایی، محمدکاظم، ۲۴/۲). اگر رشوه را همان طور که فقها معتقدند جزء موضوعات عرفی بیاوریم (خویی، مصباح الفقاهة، ۲۶۲/۱)، با مراجعه به تعریف مبتنی بر عرف اهل لغت می‌بینیم که آن را شامل غیرحکم نیز دانسته‌اند (طریحی، ۱۸۴/۱؛ ابن اثیر، ۲۲۶/۲).

به‌طورکلی باتوجه به اینکه مصادیق رشوه در غیر مورد قضاوت، بیش از گذشته بروز و ظهور یافته است، متأخران غالباً رشوه را تعمیم داده و شامل غیر مورد قضاوت نیز دانسته‌اند (انصاری، مرتضی، ۲۴۲/۱؛ لاری، ۱۳۱/۱؛ خویی، مصباح الفقاهة، ۲۶۳/۱ و ۲۷۲؛ گلپایگانی، ۲۳۶/۱؛ منتظری، دراسات، ۱۵۱/۳؛ سبحانی تبریزی، ۴۶۷؛ مکارم شیرازی، الربا، ۲۰۶).

۲. ۴. ۱. الغای خصوصیت و تنقیح مناط

با نگاه به مستندات رشوه بر ما روشن می‌شود که حکم رشوه اختصاص به رشوه در حکم دارد^۱ و شاید به همین دلیل باشد که برخی از فقها رشوه را اختصاص به مقام حکم و قضاوت داده‌اند (طباطبایی، علی‌بن محمد، ۵۳/۱۵؛ خویی، مبانی تکملة المنهاج، ۸/۴۱)؛ اما با این وجود، همان طور که بیان شد بسیاری از فقها در تعریف رشوه آن را به غیر حکم نیز تسری داده‌اند. به نظر می‌رسد که این تعمیم از باب الغای خصوصیت در حکم باشد. حکم در این مستندات ظهور در قاضی دارد؛ اما به سبب اطلاق

۱. «و لَاتَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَ تَذَلُّوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (بقره: ۱۸۸)؛ لعن الله الراشی و المرتشی فی الحکم (ری‌شهری، ۴۶۵/۴)؛ الرشا فی الحکم هو الکفر بالله (حر عاملی، ۴۰۹/۷).

خصوصیت عرفی در خصوص قاضی می‌توان آن را شامل غیرقاضی نیز دانست؛ چراکه مناط در حکم رشوه را می‌توان تضييع حقوق دیگران دانست، در نتیجه اعطای مال در هر کاری که سبب تضييع حق دیگری شود، رشوه خواهد بود. البته می‌توان در این الغای خصوصیت از حکم و قضاوت و تنقیح مناط آن، خدشه وارد کرد؛ به این صورت که شاید خصوصیتی در مقام قضاوت بوده که حکم بدان اختصاص یافته است، آنگاه دیگر نمی‌توان به راحتی از آن الغای خصوصیت کرد؛ زیرا اهمیت امر قضا به حدی است که نظام معاش و معاد انسان مبتنی بر آن است (اسماعیل پور قمشاهی، ۷/۱) و در کتب فقهی ابواب بسیاری به بیان شروط، آداب و احکام آن پرداخته شده است و به طور کلی اجرای غالب احکام جامعه اسلامی در ضمن آن معنا پیدا می‌کند.

۲. ۴. ۲. ظهور ادله لفظی

باتوجه به ایراداتی که در باب الغای خصوصیت از امر قضا بیان شد می‌توان از باب ظهور برخی ادله لفظی ذیل مبحث رشوه قائل به تعمیم آن در غیر مقام قضا شد. برخی از مستندات حکم شرعی رشوه که مدنظر فقها قرار گرفته است را از این منظر بررسی می‌کنیم:

۱. آیه شریفه «سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكْأَلُونَ لِلْسُّحْتِ فَإِنْ جَاءُوكَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ وَإِنْ تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَنْ يَصُرُّوكَ شَيْئًا وَإِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ»^۱

بخشی از آیه شریفه که مدنظر ماست، بخش ابتدایی آن است: «سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكْأَلُونَ لِلْسُّحْتِ» که طبق نظر مفسران و با استناد به روایات، سُحْت به معنای رشوه است (طبرسی، ۳۰۳/۳). رشوه‌خواری مذمت شده در این آیه شریفه فعلی است که علمای یهود مرتکب می‌شدند و با اخذ رشوه از مردم، حکم خدا را تغییر می‌دادند (طبرسی، ۳۰۴/۳؛ طباطبایی، محمدحسین، ۳۴۱/۵؛ فاضل مقداد، ۱۲/۲). در این آیه شریفه، تعبیر سُحْت که به معنای رشوه بیان شده است، عام است و همان طور که معلوم شد شامل غیر مورد قضاوت نیز شده است.

۲. روایت صیرفی: «قال سمعتُ أبا الحسن (ع) وسأله حفصُ الأعور فقال: أن عمالَ السُّلطانِ يَشْتَرُونَ مِنَّا القرب و الأداوى فَيُوكَلُونَ الوكيلَ حَتَّى يَسْتَوْفِيَهُ مِنَّا فَرَشُوهَ حَتَّى لَا يَظْلِمُنَا. فقال: لا بأسَ ما تَصَلَحُ به مَالُكَ. ثُمَّ سَكَتَ سَاعَةً ثُمَّ قال: إذا أنتَ رَشوتَهُ يَأْخُذُ أَقْلَ مِنَ الشَّرْطِ؟ قلتُ نعم، قال: فَسَدَّتْ رِشوتُكَ.»^۲

۱. آن‌ها بسیار به سخنان تو گوش می‌دهند تا آن را تکذیب کنند. مال حرام فراوان می‌خورند، پس اگر نزد تو آمدند در میان آنان داوری کن یا (اگر صلاح دانستی) آن‌ها را به حال خود واگذار و اگر از آنان صرف‌نظر کنی، به تو هیچ زیانی نمی‌رسانند و اگر میان آن‌ها داوری کنی، با عدالت داوری کن که خدا عادلان را دوست دارد (مانند: ۴۲).

۲. صیرفی می‌گوید: از امام کاظم شنیدم که حفص اعور از حضرت پرسید: دست‌نشانندگان سلطان از ما مشک و آفتابه می‌خرند و وکیل می‌فرستند که آن‌ها را ببرند و ما به آن‌ها رشوه می‌دهیم تا به ما ستم نکنند (حکمش چیست؟) حضرت فرمود: اشکالی ندارد که برای اصلاح و حفظ اموالت رشوه دهی. حضرت

در روایت مذکور نسبت رشوه به عمال سلطان داده می‌شود و امام (ع) نیز بر رشوه‌نامه‌میدن اقدام آن‌ها، حکم به فساد چنین رشوه‌ای می‌دهند. بنابراین، رشوه در باره غیر حکم و قضاوت صادق است.

۲. ۴. ۳. تعمیم حکم رشوه

بر فرض که ادله تعمیم موضوعی رشوه در غیر حالت قضاوت را نپذیریم، می‌توانیم حکم رشوه را به غیر حکم و قضا تسری دهیم؛ به این صورت که پرداخت رشوه در غیر حالت قضاوت را مصداقی از ظلم منهی در آیات و روایات بدانیم و از این نظر به وحدت حکمی برسیم.

فقها در موضوعاتی چون؛ عدم لزوم اجازه ولی در ازدواج دختر باکره و رشیده (صاحب‌جواهر، ۱۳۳/۲۹)، حرمت تصرف در ملکی که مالیت ندارد (خمینی، مصطفی، ۲۶۰/۲)، حرمت احتکار (موسوی اردبیلی، فقه الحدود و التعزیرات، ۸۰۱؛ خمینی، مصطفی، ۴۵۱/۳؛ منتظری، رساله احتکار و تسعیر، ۶۳۶/۲)، به قبح ظلم استناد کرده‌اند. آنچه که مسلم است این است که فقها در موارد بسیاری به دلیل ظالمانه بودن یک عمل، حکم به حرمت تکلیفی آن داده‌اند. آنچه که لزوم اجرای عدالت و نهی از ظلم توسط فقها استناد شده است، امروزه نام قاعده عدالت به آن اطلاق می‌شود. قاعده عدالت بیانگر قاعده‌ای فراگیر در تمام ابواب فقهی است که همچون لاضرر می‌تواند در تمام ابواب فقهی در امر استنباط راهگشا باشد و حتی می‌توان از عدالت در شبهات حکمیه سود جست (الهی خراسانی، ۲۰؛ علی اکبریان، ۱۷۵).

فقها از عدالت با عنوان «وضع الشيء فی موضعه» یاد کرده‌اند و ظلم را نقطه مقابل آن؛ یعنی «وضع الشيء فی غیر موضعه» تعریف کرده‌اند (طوسی، النهایة، ۳۵۶؛ علامه حلی، منتهی المطلب، ۴۵۶/۱۵؛ شهید اول، ۳۷۳/۴؛ صدر، ۴۲/۱). این معنا توسط معاصران نیز پذیرفته شده است (طباطبایی، محمدحسین، ۳۳۱/۱۲ تا ۳۳۲). البته در کنار آن به اعطای حق به هر صاحب حقی نیز اطلاق شده است (خوانساری، ۴۲۷/۴؛ صافی گلپایگانی، ۶۲).

درباره حجیت قاعده عدالت به جز اجماع به دیگر ادله چهارگانه استناد شده است. در آیاتی از قرآن کریم^۱ انسان مستقیماً مخاطب اجرای عدالت و مسئول اقامه عدالت بر روی زمین دانسته شده است. در کنار این آیات، آیات دیگری نیز استناد ظلم به خداوند را نفی کرده است.^۲ فقها با استناد به این آیات، عرفی بودن عدالت را اثبات کرده‌اند (صانعی، ۱۶۶ تا ۱۷۷).

اندکی ساکت شدند. آنگاه فرمودند: آیا رشوه می‌دهید که کمتر از مقدار خریداری شده بپردازند؟ حفص اعور گفت: آری. فرمود: رشوه‌ها فاسد است (طوسی، تهذیب الأحکام، ۲۳۵/۷؛ حر عاملی، ۹۶/۱۸).

۱. نحل: ۹۰؛ نساء: ۱۳۵.

۲. فصلت: ۴۶؛ آل عمران: ۱۸۲؛ الانفال: ۵۱؛ الحج: ۱۰؛ ق: ۲۹.

طبق تعاریف، رانت فعلیتی غیر مولد است که نتیجه آن کسب درآمد بادآورده است (بدون اینکه خطر و ریسکی متوجه آن باشد)، درحالی که برخی فقها، فلسفه حرمت ربا را کسب درآمد بی دردسر می دانند که در نتیجه عملی مفید و مثمر به دست نیامده است و از این نظر آن را ظلم می دانند. این فلسفه در خصوص فعالیت های رانتی نیز صادق است (مکارم شیرازی، انوار الفقاهة، ۴۱). درباره موضوع رانت، حکم اختصاصی از سوی شارع نداریم؛ اما عرف قادر به تشخیص ظالمانه بودن آن است. در خصوص رانت خواری که شخص رانت جو با سوءاستفاده از موقعیت خود یا دیگری به امتیازی انحصاری دست می یابد که بدون رقابت با دیگران به دست آمده است؛ ظالمانه بودن آن قطعی است. عدالت؛ یعنی رسیدن هر چیز به آنچه که استحقاقش را دارد و در واقع امتیازات اگر بنا بر استحقاق نداشتن توزیع شود، برخلاف عدالت است. در رانت خواری موضوع ما رسیدن به یک سری امتیازات انحصاری به صورت غیراستحقاقی است. پس آنچه که مسلم است عدم تحقق عدالت در خصوص موضوع رانت خواری است که باتوجه به برقراری نسبت عدم و ملکه بین عدالت و ظلم می توان نتیجه گرفت که عدم تحقق عدالت در این موضوع منجر به ظلمی می شود که منهی شارع است.

رشوه در غیرحکم و قضا که به منظور تضییع حقوق صورت می گیرد نیز می تواند مصداقی از خیانت در امانتی باشد که منهی شارع است. علاوه بر کتاب^۱ و روایات متعدد،^۲ دلیل عقل نیز با قبیح دانستن خیانت در امانت قائل به حرمت آن است (وجدانی، ۹۲/۹؛ محمدی خراسانی، ۴۲/۲). به همین دلیل است که حرمت خیانت در امانت مورد اتفاق فقهاست (علامه حلی، منتهی المطلب، ۳۹۸/۱۵؛ مجلسی، ۲۷۰/۹؛ محمدی خراسانی، ۴۲/۲) و هیچ تردیدی راجع به آن نیست.

امانت و امانت داری مفهومی عرفی است و باوجود نسبت عدم و ملکه بین امانت و خیانت، خیانت نیز مفهومی عرفی به خود گرفته است (زین الدین، ۳۸۱/۴). در بیانی کلی باید چنین گفت که امانت معنای وسیعی دارد که هرگونه سرمایه مادی و معنوی را شامل می شود (منتظری، معارف و احکام نوجوانان، ۳۳۳). با این بیان، مال و اموال، املاک، پست و مقام و حتی عرض و آبرو هم مصداقی از امانت است.

بنا بر آنچه که بیان شد پرداخت رشوه در غیرمورد حکم و قضا به منظور نیل به رانت نیز مصداقی از خیانت در امانت خواهد بود. آنجایی که شخصی با سوءاستفاده از موقعیت خودش یک سری از اموال و

۱. «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَاتُخُونُوا اللَّهَ وَ الرَّسُولَ وَ تَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ» (الانفال: ۲۷).

۲. عن أبي عبد الله قال اميرالمؤمنين «أدوا الأمانات ولو إلى قاتل ولد الأنبياء» (فيض كاشاني، ۸۲۳/۱۸).
«عَنْ أَبِي خَفْصَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ اتَّقُوا اللَّهَ وَ عَلَيْكُمْ بِأَدَاءِ الْأَمَانَةِ إِلَى مَنْ أَنْتُمْكُمْ فَلَوْ أَنَّ قَاتِلَ عَلِيٍّ لِنَمَنِي عَلَى أَمَانَةٍ لَأَدَيْتُهَا إِلَيْهِ» (حر عاملی، ۲۲۱/۱۳).

امتیازات را برای خود یا دیگران بدون اینکه استحقاق داشته باشند اختصاص می‌دهد، در واقع خیانت در امانت صورت گرفته است. بنابراین، بر فرض اینکه ادله تعمیم موضوعی رشوه در غیر حکم و قضا را نپذیریم، می‌توان قائل به وحدت حکمی رانت و رشوه شد. در نتیجه اگر شخصی برای رسیدن به مقصود خود از رابطه غیر مستحقانه رشوه استفاده کند و در ازای پرداخت رشوه به دیگری سعی در اخذ یک سری امتیازات داشته باشد، عمل وی مصداقی از رشوه خواهد بود و حکم رشوه در خصوص تمامی مصادیق رانت خواری صادق خواهد بود؛ برای مثال، در رانت اقتصادی زمانی که در خصوص برخی اقلام صادراتی یا وارداتی محدودیت‌هایی از سوی دولت ایجاد شده باشد، ممکن است شخصی حقیقی یا حقوقی با پرداخت رشوه به مسئولان دولتی از این امتیاز انحصاری برخوردار شود.

در رانت سیاسی نیز شخصی که صلاحیت لازم برای تصدی پستی را ندارد ممکن است با پرداخت رشوه چنین جایگاهی را برای خود به دست آورد. در اینجا نیز راشی که همان رانت‌خوار است، مال‌الرشوه را در اختیار مرتشی یا همان رانت‌ساز قرار داده است تا با استفاده از قدرت و اختیار وی به آن مقام و موقعیت دست یابد. راجع به رانت اطلاعاتی نیز رشوه صادق خواهد بود. شخصی ممکن است با پرداخت مبلغی به یکی از مسئولان دولتی به یک سری اطلاعات انحصاری از فرصت‌های سرمایه‌گذاری دست یابد که عموم مردم از آن بی‌اطلاع‌اند و این شخص بدون اینکه صلاحیت لازم برای دستیابی به این اطلاعات را داشته باشد، با بهره از آن قادر خواهد بود به سود هنگفت و بادآورده‌ای برسد که رانت نام دارد.

آنچه تاکنون راجع به تعمیم رشوه در غیر حکم گفته شد درباره رانت‌خوار بوده است. درباره شخص رانت‌ساز نیز می‌توان چنین گفت که فعل شخص رانت‌ساز که همان مرتشی است در اینجا مصداقی از اعانه بر اثم خواهد بود؛ چراکه وی با عمل خویش، شخص رانت‌خوار را در رسیدن به مقصود محرم خویش، کسب آنچه که بدان استحقاق ندارد با تضييع حق دیگری، اعانه و یاری کرده است. از نظر فقها اعانه بر اثم عبارت است از: «ارتکاب مقدمات فعل حرام غیر به قصد حصول شیء (حرام)» (انصاری، مرتضی، ۱۳۳/۱) و شخص رانت‌ساز هم با اخذ رشوه، قصد ایصال رانت‌خوار (راشی) را دارد به آنچه که بدان استحقاق ندارد که همان اعانه بر اثمی خواهد بود که طبق نظر مشهور فقها حرام است (شهید ثانی، ۱۳۶/۳؛ مقدس اردبیلی، ۴۷/۸؛ خمینی، روح‌الله، ۱۹۷/۱).

۳. حکم رشوه

۳.۱. حکم تکلیفی رشوه از منظر فقه امامیه

با وجود ادله متقن و کافی در حرمت تکلیفی رشوه از جمله آیات، روایات، دلیل عقل و اجماع، جای

هیچ‌گونه شکمی باقی نمی‌ماند. از متقدمان تا متأخران، تمامی فقها قائل به حرمت اعطا و اخذ رشوه بوده‌اند و راشی و مرتشی را مرتکب فعل حرام دانسته‌اند (طوسی، المبسوط، ۱۵۱/۸؛ محقق حلی، ۷۰/۴؛ صاحب جواهر، ۱۳۱/۴۰؛ خمینی، روح الله، ۴۰۶/۲؛ خویی، مصباح الفقاهة، ۲۶۳/۱) و حتی برخی در این زمینه ادعای اجماع کرده‌اند (محقق کرکی، ۳۵/۴؛ طباطبایی، علی بن محمد، ۵۳/۱۵).

البته نکته‌ای که در اینجا لازم است که بیان شود این است که در حکم حرمتی که فقها در خصوص رشوه استعمال کرده‌اند، اختلافی وجود دارد و آن این است که برخی از فقها حکم حرمت را مطلق آورده‌اند و آن را شامل تمام اقسام رشوه دانسته‌اند؛ چه اعطای رشوه به قصد حق باشد، چه باطل (طوسی، المبسوط، ۱۵۱/۸؛ آبی، کشف الرموز، ۴۹۷/۲؛ آشتیانی، ۱۳۳/۱) و حتی برخی به این عمومیت تصریح کرده‌اند (شهید ثانی، ۷۴/۳؛ محقق کرکی، ۳۵/۴؛ خویی، مصباح الفقاهة، ۲۶۳/۱؛ تبریزی، ۱۴/۲).

در مقابل، فقهای دیگری هستند که قائل به تفصیل‌اند؛ به این صورت که اگر راشی رشوه را به قصد امر باطلی اعطا کند مثل اینکه قاضی به باطل به نفع او حکم کند چنین رشوه‌ای حرام است، اما اگر اعطای رشوه در زمینه حقی باشد مثل اینکه به قاضی رشوه دهد تا به حق به نفع او حکم کند، در این صورت چنین رشوه‌ای حرام نخواهد بود (محقق حلی، ۷۰/۴؛ طباطبایی، علی بن محمد، ۵۳/۱۵؛ صاحب جواهر، ۱۳۱/۴۰؛ خمینی، روح الله، ۴۰۶/۲).

در بحث مدنظر ما که موضوع رانت و رانت‌خواری است قاعداً این اختلاف نظر در این سطح مشکلی ایجاد نمی‌کند؛ چراکه همان‌طور که در تعریف رانت اشاره کردیم ارتباطی که در رانت بین رانت‌خوار و رانت‌ساز وجود دارد از جنس رابطه غیرمستحقانه است و شخص بدون رقابت با دیگران و در شرایطی انحصاری از یک سری امتیازات بهره‌مند می‌شود و واضح است که تطبیق این قسم از رانت با موضوع محل بحث رشوه داخل در حالتی که راشی برای یک مسئله حق، رشوه پرداخت می‌کند، محال است. بنابراین، شخص رانت‌خوار در اینجا برای رسیدن به خواسته‌ای غیرمنطقی که غالباً مستلزم تضييع حقوق دیگری نیز هست اقدام به پرداخت رشوه می‌کند و چنین رشوه‌ای هم اجماعاً بر راشی و مرتشی حرام خواهد بود و در این مسئله فرقی میان اقسام مختلف رانت نخواهد بود.

البته معدودی از اقتصاددانان، رانت را لزوماً رابطه‌ای غیرمستحقانه نمی‌دانند و قائل به قسم دیگری از رانت تحت‌عنوان رانت مثبت هستند (درازن، ۴۸۱؛ حسین خان، ۳۷). این دسته معتقدند حضور رانت‌ها گاهی اوقات می‌تواند نشانه اقتصادی پویا و کارآمد باشد (حسین خان، ۱۱) و در غالب موارد، رانت مثبت نصیب افرادی می‌شود که استحقاق و شایستگی آن را دارا هستند؛ برای مثال، تعلق یک سری امتیازات انحصاری به مخترعان یا دانش‌آموختگان تحصیلات تکمیلی نه تنها رانت منفی نیست، بلکه تشویق به

علم‌آموزی و خلاقیت است که دیگران را ترغیب می‌کند برای کسب این امتیازات مدارج علمی را طی کنند (حسین خان، ۳۷).

با نگاه به آثار اقتصاددانان کمتر کسی است که به رانت مثبت اشاره کرده باشد و حتی مثال‌هایی که درباره رانت به کار می‌برند حاکی از این نوع نگاه است. از این روست که در تعریف‌هایشان به جنبه منفی رانت اشاره داشته و از آن به امتیازات همراه با بهره‌برداری از منابع و اموال عمومی نام برده‌اند (یوسفی‌نژاد، ۱۴۸؛ سبحان‌اللهی، ۳۲). آنچه که امروزه رانت نامیده می‌شود، همان رابطه غیراستحقاقی در اخذ امتیازات انحصاری است که همان طور که در تعریف اصطلاحی رانت مطرح شد، رانت مثبت درباره آن صدق نمی‌کند. بر فرض هم که قائل به رانت مثبت باشیم، با توجه به آثار مثبتی که برای اقتصاد کشور خواهد داشت، حکم آن محل بحث نخواهد بود؛ زیرا اختلافی وجود ندارد که رانت مثبت در جامعه با توجه به اینکه تبعیضی نیست و مفید برای اقتصاد است، اشکالی بر آن مترتب نیست و حتی ممکن است راجع به شرایطی که فاقد چنین رانتی است ارجحیت هم داشته باشد. تعریفی که ما از رانت ارائه دادیم جامع تمامی تعاریفی است که درباره آن آمده است.

در موضوع رانت، هدیه نیز مصداق پیدا می‌کند؛ چراکه ممکن است شخص رانت‌خوار بخواهد از طریق هدیه خود را به مقصود برساند. قبل از اینکه وارد حکم هدیه شویم متذکر می‌شویم که تفاوت رشوه و هدیه در این است که پرداخت رشوه به این منظور است که مرتشی به نفع ما حکم کند یا ما را به خواسته‌مان برساند، در حالی که هدف از اعطای هدیه این است که محبت خود را در دل مرتشی بکاریم تا عامل محرکه ای شود برای اینکه به نفع ما حکم کند یا خواسته ما را برآورده سازد (انصاری، مرتضی، ۲۴۶/۱).

بنا بر نظر فقها، اگر بر هدیه عنوان رشوه اطلاق شود ملحق به حکم رشوه خواهد بود، اما اگر رشوه نبود و با آن قصد، نیل به باطل نشود، شکی در حلیت آن نیست. بنابراین، اطلاق روایاتی که هدیه را غلول و سحت نامیده‌اند حمل بر موردی می‌شود که قصد حرام و رسیدن به باطل از آن شده باشد (صاحب‌جوهر، ۱۳۱/۴۰؛ انصاری، مرتضی، ۲۴۸/۱).

برای اینکه نسبت بین رشوه و رانت و تداخل موضوعی این دو به طور شفاف فهم شود، لازم است که پس از تعریف رانت و حدود ثغور آن و تعریف رشوه و حکم تکلیفی آن، به این دو سؤال پاسخ داده شود: آیا رشوه مختص به مقام حکم و قضاست یا در غیر آن نیز موضوعیت دارد؟ آیا قول و فعل نیز علاوه بر مال می‌تواند متعلق رشوه قرار گیرد؟

مسئله‌ای که پیش از همه باید بررسی شود این است که با توجه به تعریف ابتدایی رشوه از سوی فقها، آیا رشوه تنها درباره قضاوت مصداق می‌یابد یا در غیر حکم و قضاوت نیز صادق است. در صورتی که رشوه

تنها در قضاوت صادق باشد، بحث از آن در خصوص رانت موضوعیت ندارد؛ چراکه چنین تعریفی از رشوه با تعریفی که از رانت داشتیم تطبیق و همخوانی ندارد، جز راجع به رانت قضایی که البته جز تعداد محدودی از اقتصاددانان این نوع رانت را قبول ندارند.

۳.۲. حکم وضعی رشوه از منظر فقه امامیه

از نظر فقهای امامیه هرآنچه که گرفتن آن به عنوان رشوه حرام باشد در ملکیت شخص مقابل در نمی آید و مرتشی راجع به آن ضامن است، در نتیجه بر مرتشی واجب است که آن را باز گرداند و در صورتی که تلف شده باشد باید مثل یا قیمت آن را بر گرداند (شهید ثانی، ۷۴/۳؛ انصاری، مرتضی، ۲۴۶/۱؛ آشتیانی، ۱۳۳/۱). حتی اگر مال الرشوه ضمن عقد هبه یا بیع محاباتی^۱ یا وقف و مانند آن اعطا شده باشد شکی در فساد چنین عقود نیست (صاحب جواهر، ۱۳۱/۴۰).

از منظر اعانه بر اثم نیز مال الرشوه به ملکیت مرتشی در نمی آید؛ چراکه طبق نظر فقها معامله مبتنی بر اعانه بر اثم به دلیل مشتمل بر مفسده بودن، باطل و فاسد خواهد بود (محقق حلی، ۳/۲؛ علامه حلی، مختلف الشیعه، ۲۲/۵). بر فرض هم که مانند برخی از فقها (ایروانی، ۱۵/۱) آیات و روایات باب را مفید فساد چنین معامله ای ندانیم، با توجه به نظریه ملازمه، حکم تکلیفی و حکم وضعی، با اثبات حرمت تکلیفی اعانه بر اثم، بطلان معامله متکی بر آن اثبات می شود (شهید اول، ۱۶۶/۳؛ محقق کرکی، ۱۸۱۷/۴)، بنابراین مرتشی که با اعانه بر اثم راشی به حرام، مال الرشوه را از وی اخذ کرده است مالک آن نمی شود.

بنابراین، مالی که در رشوه از راشی به مرتشی منتقل می شود به ملکیت مرتشی در نمی آید و لازم است که مرتشی، یعنی رانت ساز آن را به راشی، یعنی رانت خوار بر گرداند و راجع به آن ضامن است. البته درباره هدیه، شیخ انصاری قیدی آورده است و آن عبارت است از اینکه اگر هدیه از طرف رانت خوار بدون قصد مقابله پرداخت شود و تنها برای این باشد که انگیزه ای برای طرف مقابل (قاضی، عامل یا...) باشد و محبت معطی در دل او رسوخ کند تا بر روی او تأثیر بگذارد و خواسته اش را بر آورده سازد، گیرنده هدیه در خصوص آن ضامن نخواهد بود؛ چراکه به دلیل اینکه داعی و انگیزه، عوض به شمار نمی آید، هبه غیر معوضه خواهد بود و در نتیجه طبق قاعده «ما لایضمن بصحیحه لایضمن بفاسده» در خصوص آن هدیه ضامن نخواهد بود (۲۴۶/۱)، البته این منافاتی با بقای حرمت تکلیفی چنین اقدامی ندارد (همان).

۱. بیع محاباتی: «معامله محاباتی به این معناست که باع چیزی را بفروشد یا اجاره دهد به کمتر از ثمن المثل یا اجرة المثل یا هبه کند...» (بجنوردی، ۲۴۷/۷).
از نظر شیخ انصاری، چنین معامله ای از اقسام رشوه یا لافل ملحق به رشوه است و در نتیجه هم حرام است و هم فاسد و به ملکیت مرتشی در نمی آید (کتاب المکاسب، ۲۴۶/۱).

حکم وضعی، درباره رشوه مالی صادق خواهد بود، اما در رشوه قولی و فعلی تنها باید به حرمت تکلیفی آن بسنده کرد، مگر اینکه معاملات مبتنی بر رشوه همچون معامله محاباتی را جزء رشوه عملی بگیریم که در این صورت، همان طور که قبلاً بیان شد باید قائل به بطلان و فساد چنین معامله‌ای شد. نتیجه اینکه در رانتی که مبتنی بر رشوه باشد، نه تنها حرمت تکلیفی متوجه رانت خوار و رانت‌ساز است؛ بلکه مال‌الرشوه به ملکیت رانت‌ساز در نخواهد آمد و حرمت وضعی نیز متوجه آن خواهد بود و نتیجه آن ضامن بودن مرتشی یا همان رانت‌ساز در خصوص آن خواهد بود.

نتیجه‌گیری

رانت به درآمد یا امتیاز غیرمولدی اطلاق می‌شود که شخص انحصاراً و فارغ از رقابت و بدون استحقاق بدان دست یافته است. رانت خوار نیز کسی است که به قصد کسب رانت اقدام تلاش‌مندان‌های انجام می‌دهد. شخص رانت‌خوار ممکن است به قصد کسب رانت، مالی به مقام مسئول اعطا کند که باتوجه به صدق اطلاق رانت در غیر از حکم و قضاوت، آن مال مصداق رشوه و حرام است. بر فرض هم که قول به تعمیم موضوعی رشوه به غیر حکم و قضا را نپذیریم، با ادله دیگری چون ادله حرمت ظلم و خیانت می‌توان قائل به وحدت حکمی رانت و رشوه شد. ضمن اینکه فقها رشوه را منطبق بر فعل و قول نیز دانسته‌اند. بنابراین، آنچه که شخص رانت‌خوار (راشی) برای رانت‌ساز (مرتشی) انجام می‌دهد تا از یک سری امتیازات انحصاری بهره‌مند شود، در حکم رشوه است و در نتیجه حرام است. ضمن اینکه مرتشی، مالک مال‌الرشوه نیست و در خصوص آن ضامن خواهد بود و راه تخلص از آن، عودت آن به مالکش است.

منابع

- ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهاية فی غریب الحدیث و الاثر، قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، بی‌تا
- اسحاقی، سیدحسین، «نگاهی به پدیده رانت و رانت‌جویی در ایران»، رواق اندیشه، ش ۴۵، شهریور ۱۳۸۴، صص ۲۱ تا ۳۱.
- اسماعیل‌پور قمشه‌ای، محمدعلی، البراهین الواضحات، قم: بی‌نا، بی‌تا.
- الهی خراسانی، علی، قاعدة فقهی عدالت، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۹۲.
- انصاری، زکریابن محمد، اسنی المطالب فی شرح روض الطالب، بی‌جا: دار الکتب الاسلامی، بی‌تا.
- انصاری، مرتضی‌بن محمدامین، کتاب المکاسب، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۵ق.
- ایروانی، علی، حاشیه المکاسب، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۰۶ق.
- ایزدی‌فرد، علی‌اکبر، «رشوه غیرمالی»، مقالات و بررسی‌ها، ش ۷۵، بهار و تابستان ۱۳۸۳، صص ۱۱ تا ۲۸

- آبی، حسن بن ابی طالب، کشف الرموز فی شرح مختصر النافع، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
- آشتیانی، محمد حسن بن جعفر، کتاب القضاء، قم: زهیر، کنگره علامه آشتیانی (ره)، ۱۴۲۵ق.
- بجنوردی، حسن، القواعد الفقهية، قم: هادی، ۱۴۱۹ق.
- تبریزی، جواد، منهاج الصالحین، قم: مجمع الإمام المهدي، ۱۴۲۶ق.
- تجلیل تبریزی، ابوطالب، التعليقة الاستدلالية على تحرير الوسيلة، تهران: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۴۲۱ق.
- توانایان فرد، حسن، فرهنگ تشریحی اقتصاد، تهران: جهان رایانه، ۱۳۸۶.
- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
- حسین خان، مشتاق، رانت ها، رانت جویی و توسعه اقتصادی، ترجمه محمد خضری، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۶.
- خمینی، سید مصطفی، کتاب البیع، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۴۱۸ق.
- خمینی، روح الله، تحرير الوسيله، قم: دار العلم، ۱۴۰۹ق.
- خوانساری، احمد، جامع المدارک فی شرح مختصر النافع، چاپ دوم، قم: اسماعیلیان، ۱۴۰۵ق.
- خویی، ابوالقاسم، مبانی تکملة المنهاج، قم: مدینه العلم، ۱۴۱۰ق.
- _____، مصباح الفقاهة، بی جا: بی نا، بی تا.
- درازن، آکن، اقتصاد سیاسی، اقتصاد کلان، ترجمه دکتر جعفر خیرخواهان، تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی، ۱۳۹۰.
- درویشی، فرهاد، «انقلاب اسلامی و رانت سیاسی»، علوم اجتماعی، ش ۴۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۷، صص ۳۲۷ تا ۳۶۲.
- روحانی، سید محمد صادق، فقه الصادق علیه السلام، قم: دار الکتاب، ۱۴۱۲ق.
- ری شهری، محمد، میزان الحکمة، قم: دار الحدیث، ۱۴۲۷ق.
- زین الدین، محمد امین، کلمة التقوی، قم: سید جواد وداعی، ۱۴۱۳ق.
- سبحان اللهی، محمد علی، «رانت و بهره‌وری»، مدیریت دولتی، ش ۱، ۱۳۷۵، صص ۳۲ تا ۴۰.
- سبحانی تبریزی، جعفر، المواهب فی تحرير احکام المكاسب، قم: مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۴۲۴ق.
- سردار آبادی، خلیل، «قدرت و رانت جویی سیاسی»، گزارش، ش ۱۶۷، شهریور و مهر ۱۳۸۴، صص ۳۰ تا ۳۳.
- سیفی، علی اکبر، دلیل تحرير الوسيلة، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۵ق.
- شهید اول، محمد بن مکی، غایة المراد، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۴ق.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی، الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیة، قم: ثامن الحجج، ۱۴۲۶ق.

شیخ الاسلامی و دیگران؛ بررسی فقهی نقش رشوه در تحقق جرم رانت خواری از منظر فقه امامیه / ۱۱۵

صاحب‌جواهر، محمدحسن بن باقر، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، چاپ هفتم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۲.

صافی گلپایگانی، لطف‌الله، ثلاث رسائل فقهیه، بی‌جا: بی‌نا، ۱۴۱۶ق.

صانعی، یوسف، فقه الثقلین فی شرح تحریر الوسیلة، کتاب القصاص، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۲.

صدر، محمدباقر، ماوراء الفقه، بیروت: دار الأضواء، ۱۴۲۰ق.

طباطبایی، علی بن محمد، ریاض المسائل فی تحقیق الأحکام بالدلائل، قم: آل‌البتیت (ع)، ۱۴۱۸ق.

طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.

طباطبایی، محمدکاظم، تکملة العروة الوثقی، قم: کتاب‌فروشی داورى، ۱۴۱۴ق.

طباطبایی قمی، تقی، هداية الأعلام الی مدارک شرائع الإسلام، قم: محلاتی، ۱۴۲۵ق.

طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: اعلمی، ۱۴۱۵ق.

طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، تهران: کتاب‌فروشی مرتضوی، ۱۴۱۶ق.

طوسی، محمدبن حسن، المبسوط فی فقه الإمامیه، تهران: مرتضوی، ۱۳۸۷ق.

_____، النهاية فی مجرد الفقه و الفتاوی، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۰۰ق.

_____، تهذیب الأحکام، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ق.

علامه حلی، حسن بن یوسف، مختلف الشیعة فی احکام الشریعة، قم: اسلامی، ۱۴۱۳ق.

_____، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، مشهد: مجمع البحوث الإسلامیة، ۱۴۱۲ق.

علی اکبریان، حسنعلی، قاعدة عدالت در فقه امامیه: گفت‌وگو با جمعی از اساتید حوزه و دانشگاه، قم: پژوهشگاه فرهنگ و هنر، ۱۳۸۶.

فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله، کنز العرفان فی فقه القرآن، به تحقیق سیدمحمد قاضی، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۲۲ق.

فرهنگ، منوچهر، فرهنگ علوم اقتصادی، چاپ یازدهم، تهران: ذهن آویز، ۱۳۸۸.

کاظمی، مهین‌دخت، «رانت: با نگاهی به این معضل در ایران»، تازه‌های اقتصاد، ش ۱۰۳، خرداد ۱۳۸۳، صص ۶۵ تا ۵۳.

گلپایگانی، سیدمحمد رضا، کتاب القضاء، قم: خیام، ۱۴۰۱ق.

لاری، سیدعبدالحسین، التعليقة علی مکاسب، قم: مؤسسه معارف اسلامی، ۱۳۱۸ق.

مجلسی، محمدتقی بن مقصودعلی، روضة المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور، ۱۴۰۶ق.

- محقق حلی، جعفر بن حسن، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام، قم: اسماعیلیان، ۱۴۰۸ق.
- محقق کرکی، علی بن حسین، جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم: آل البيت (ع)، ۱۴۱۴ق.
- محمدی خراسانی، علی، شرح تبصرة المتعلمین، بی جا: بی نا، بی تا.
- مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الأذهان، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ق.
- مکارم شیرازی، ناصر، الربا و البنك الإسلامی، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۴۲۲ق.
- _____، أنوار الفقاهة، کتاب البیع، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۴۲۵ق.
- منتظری، حسینعلی، دراسات فی المكاسب المحرمة، قم: تفکر، ۱۴۱۵ق.
- _____، رساله احتکار و تسعیر، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۴.
- _____، معارف و احکام نوجوانان، قم: سرایی، ۱۴۲۳ق.
- موسوی اردبیلی، عبدالکریم، فقه الحدود و التعزیرات، قم: مؤسسه النشر لجامعة المفید (ره)، ۱۴۲۷ق.
- _____، فقه القضاء، قم: بی نا، ۱۴۲۳ق.
- وجدانی، قدرت الله، الجواهر الفخریة فی شرح الروضة البهیة، قم: سماء قلم، ۱۴۲۶ق.
- همدی خطبه سرا، ابوالفضل، فساد مالی: علل، زمینهها و راهبردهای مبارزه با آن، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۴.
- یوسفی نژاد، علی، «رانت خواهی و فساد مالی در اقتصاد ایران»، مصباح، ش ۶۴، مرداد و شهریور ۱۳۸۵، صص ۱۴۵ تا ۱۶۷.
- Tullock, *The welfare costs of tariffs, monopolies and theft* Western Economic Journal, 5:3, June 1967.
- Pearce David w. *Macmillan Dictionary of Modern Economic*, Third edition, 1989.
- Kruger Anne, *The Political Economy of Rent- Seeking Society*, American Economic Review, Jun 1974.
- Mbaku, John, *Bureaucratic Corruption in Africa: Causes, Consequences, and Cleanups*. Lanham, MD, 2007.
- Posner, *The Social Costs of Monopoly and Regulation* Journal of Political Economy, Vol. 93, No. 2 (Apr, 1985), pp. 410-416.